فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال هفتم، شماره دوم (پیاپی ۲۴)، تابستان ۱۳۹۷
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X- ۲۵۸۸
http://serd.khu.ac.ir
صفحات ۱۲۶-۱۰۷

تحلیل نقش کلان‌شهرها در ساختار اقتصادی روستاهای پیراشهری
مورد: روستای گلحصار در شهرستان ری

حبیب‌اله فصیحی*؛ استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۶/۲۸ پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۲/۱۵

چکیده

در این مقاله عوامل مؤثر بر ساختار فضایی-کالبدی روستای گلحصار شهرستان ری در استان تهران در ارتباط با کلانشهر تهران مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. روش تحقیق توصیفی – تحلیلی بوده و از داده‌های اسنادی و نیز اطلاعات حاصل از پیمایش استفاده شده است. در تحقیق علاوه بر شیوه‌های توصیفی، تکنیک تحلیل ساختاری متقاطع در نرم‌افزار میک‌مک نیز به‌کار گرفته شده است. یافته‌ها نشان داد که این روستا طی شش دهۀ اخیر، رشد سرسام‌آور جمعیتی و فیزیکی را پشت سرگذاشته و تحولات عمیقی در ابعاد اقتصادی و اجتماعی پذیرفته است. مهاجرت به روستا تحت تأثیر عملکردهای کلانشهر تهران و تحولات اقتصادی متأثر از آن در روستا محقق گردیده است. فاصله نزدیک ۴ کیلومتری روستا با تهران موجبات تغییر کشت از گندم و جو به سبزیجات را در بیش از ۹۰ درصد از زمین‌های کشاورزی فراهم آورده و نیاز به کارگر را ۱۲ برابر افزایش داده است. استقرار صنایع و فعالیت‌های عظیم پالایش نفت، کارگاه‌های آلاینده و غیرمجاز و فعالیت‌هایی که به لحاظ مواد اولیه و یا بازار به تهران وابسته‌اند و نیز وجود و رونق بازار شغل‌های ساده و به‌خصوص فعالیت‌های ساختمانی در تهران از عوامل دیگر تأثیرگذار بر ساختار فضایی کالبدی روستا بوده‌اند. نتایج تحلیل ساختاری متقاطع نیز نشان داد که از میان ۲۸ متغیر شناسایی شدۀ تأثیرگذار، «ضعف مقررات محیط زیستی و اجرای آنها»، «موقعیت روستا در نزدیکی تهران»، « سهولت تغییر کاربری» و «امکان تفکیک خودخواسته زمین»، «بازار کار در تهران» و«امکان گریز از مقررات»، کلیدی‌ترین عوامل محسوب می‌گردند.

واژگان کلیدی: اقتصاد روستایی، روستاهای پیراشهری، تحولات فضایی- کالبدی، شهرستان ری.

* fasihi@khu.ac.ir

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

۱) مقدمه

خطهٔ ری در جنوب استان تهران تاریخ و تمدنی چندهزار ساله دارد. آثار باستانی فراوان این منطقه همچون چشمه علی (۸ هزار سال قبل)، قلعه گبری و دژ رشکان (دوره اشکانی)، استودان گبرها و تپه میل (دوره ساسانی) و قلعه طبرک(اوایل دوره اسلامی) حکایت از قدمت تمدن و سکونت در این منطقه دارد. ری از روزگاران کهن سرزمینی حاصلخیز و پرجمعیت بوده و روستاهایی سرسبز و آبادان داشته است. قرار گرفتن در انتهای مخروط‌افکنه‌های پایکوهی البرز، خاک‌های آبرفتی حاصل‌خیزی را در این سرزمین به ودیعت نهاده و ذخیرگاه‌های برف و ریزش‌های جوی این کوهستان، از گذشته رودهایی چون رود کرج، شور فشاپویه و چشمه‌های متعدد را به جریان انداخته که ضمن تأمین منابع آب شیرین سطحی فراوان که یعقوبی نیز در قرن سوم هجری به آن اشاره نموده (احمدبن یعقوب،۱۳۵۶: ۲۸۳)، موجبی بر غنای سفره‌های زیرزمینی گردیده‌اند. این ظرفیت‌های طبیعی در سایه اندیشه و تلاش گذشتگان از این سرزمین، جوشش آب شیرین زیرزمینی از قنات‌های فراوان را به ارمغان آورده و مجموعه این عوامل، بنیان تمدن در این خطه را پی‌ریزی نموده‌اند. همچنانکه در شکل‌گیری و توسعه قدیمی‌ترین تمدن‌های دیگر نیز نقش و جایگاه منابع آب و چگونگی تصرف و مصرف آن کاملاً محرز بوده است (ریاحی و مؤمنی، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

سرزمین ری از روزگاران کهن دوره‌هایی از فراز و نشیب را پشت سر گذاشته است. این سرزمین بارها بر اثر زمین لرزه (فصیحی، ۱۳۸۶) و حملات ویران شده اما به دلیل موقعیت نسبی مناسب و برخورداری از توان-های بالقوه محیطی چون آب و خاک که در محیط خشک فلات ایران بیش از هر چیز مغتنم و ارزشمند بوده، ترقی و توسعه را از سرگرفته است (شیخ‌بگلو اسلام، ۱۳۹۵)

تحولات اساسی معاصر ری و روستاهای پیرامون آن بیش از هر چیز متأثر از پیدایش تهران و روند جمعیت‌پذیری و توسعه این شهر است. *«تهران که در گذشته یکی از دیه‌های کم اهمیت شهر بزرگ ری به حساب می‌آمد، از قرن ششم هجری به بعد که شهر ری در اثر تهاجم بی‌رحمانهٔ مغول و جنگ‌های پی‌گیر داخلی و نزاع‌های دینی و مذهبی و پراکندگی‌ها و نفاق‌های فرقه‌ای به‌تدریج روی به ویرانی نهاد و عظمت و عزت خود را از دست بداد، این فرزند مادر ری، خردک خردک بزرگ و بزرگ‌تر شد و اندک اندک صورت شهر پیدا کرد تا به پایتختی برگزیده شد و صاحب نام و آوازه گردید و در شهرت جای ری را بگرفت (کریمان، ۱۳۵۵ : ۳۳)».*

کلانشهر تهران به سبب برخورداری از کارکردهای بسیار متعدد روابط پیچیده و قوی با نواحی پیرامونی و به‌خصوص روستاهای حوزه نفوذ خود برقرار نموده و این ارتباط، تأثیرات عمیقی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی این روستاها برجا گذاشته است. در ایران روستاهای پیرامونی کلانشهر تهران نخستین روستاهایی بوده که تحولات و دگرگونی‌های وسیعی را که عمدتاً متأثر از گسترش شهر تهران بوده، تجربه

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کرده‌اند (رهنمایی،۱۳۶۹: ۲۷). توسعه کلانشهرها و تأثیر آن بر تحولات سکونتگاه‌های پیرامونی موضوع تحقیقات بسیاری بوده است. رضوانی (۱۳۸۱) در تحلیل الگوهای مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران دریافته که در جنوب، شهر تهران موجب ظاهرشدن کارکردهای متنوعی چون سکونتی – خوابگاهی و صنعتی – کارگاهی و تأسیسات و تجهیزات در نواحی روستایی شده است. افراخته و همکاران (۱۳۸۴) ضمن تحقیق در دهستان محمدآباد کرج دریافته‌اند که روستاهای مورد مطالعه به دلیل ارتباط با کلانشهر کرج دچار تحول در بافت کالبدی شده و چهرهٔ شبه‌شهری به خود گرفته‌اند. حسینی حاصل (۱۳۹۴) ساخت‌وسازهای بی‌رویه و بی‌ضابطه، نابسامانی‌های هویتی، توسعه وسایل نقلیه در مقابل محدودیت در توسعه معابر و غیره را از جمله تأثیرات کلانشهر تهران بر روستاهای رودبار قصران دانسته است.

بنا به نتایج تحقیقات دانشپور و همکاران (۱۳۹۵)، طی دههٔ ۸۵-۱۳۷۵ صور گوناگونی از پدیده پیراشهرنشینی با فاصله از تهران ظهور یافته است. حقیقی مطلق (۱۳۹۵) در مطالعات خود در مورد روستاهای پیراشهری شیراز دریافته که گسترش فیزیکی این شهر، سبب پیامدها و دگرگونی‌های ساختاری-کارکردی فراوان در روستاهای پیرامون از جمله تغییرات گسترده در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، محصولات تولیدی، محیط زیست، جمعیت، بافت و کالبد شده است. طالشی و حیدری (۱۳۹۶) فرآیند دگرگونی‌های کالبدی – فضایی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه هشترود و نقش بازدارندهٔ آن در شکل‌گیری شبکه منطقه‌ای را مورد بررسی قرار داده‌اند.

صحنه و همکاران (۱۳۹۶) اثرات روابط شهر و روستا بر تحولات اقتصادی اجتماعی روستاهای آزادشهر را بررسی نموده و دریافته‌اند که این روابط سبب تغییرات عمده‌ای در قیمت زمین و مسکن، کاهش مالکیت بومی و قطعه‌قطعه‌شدن اراضی گردیده است. منشی‌زاده و صادقی (۱۳۸۹) در تحلیل تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر ممسنی به این نتیجه رسیده‌اند که گروهی از روستاها در مسیر تغییرات مثبت قرار گرفته‌اند، گروهی دارای رشد قابل قبولی شده و در مسیر رشد تدریجی قرار گرفته‌اند، گروهی آن‌چنان که باید گسترش نیافته‌اند و گروهی در مسیر زوال قرار گرفته‌اند.

ظاهری (۱۳۸۹) در بررسی روند تغییرات کالبدی روستاهای خوابگاهی حوزه نفوذ کلانشهر تبریز دریافته که عملکردهای تبریز موجب از بین‌رفتن زمین‌های زراعی و باغات به نفع دیگر کاربری‌ها شده است. هیل[1] (۱۹۹۵) با استفاده از روش‌های توصیفی و آمارهای رسمی تأثیر روابط شهری-روستایی بر تحولات ساختاری روستاها در تایلند و مالزی را بررسی نموده و دریافته که تحولات اقتصاد ملی، صنعتی‌شدن و توسعه شهرها بافت جمعیتی، ساختار اقتصاد و اشتغال و کاربری‌زمین در روستاها را دگرگون نموده است. چمبو[2] (۲۰۱۱) در

[1] Ronald D. Hill
[2] Victor Samba Chembo

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

تحقیق خود در خصوص دو روستا در تانزانیا نتیجه گرفته که در پرتو ارتباط روستاها با شهر، سرمایه‌گذاری شهرنشینان در روستا، ساختار معیشت و اشتغال روستایی را دگرگون نموده است. و بالاخره لوکرتز[1] (۱۹۸۸) با مطالعه تأثیر شهرنشینی بر فعالیت‌های کشاورزی پیرامون در ۱۹۰ کانتی از ایالات متحده نتیجه گرفته که به موازات گسترش شهرنشینی از فعالیت‌های کشاورزی کاسته شده است.

روستای گلحصار در ۴ کیلومتری تهران نمونه‌ای از سکونتگاه‌های پیرامونی تهران است که در سایه عملکردها و تأثیرات عواملی که هر کدام به نحوی با تهران مرتبط هستند، در چند دهۀ اخیر تحولات گستردۀ فضایی- کالبدی به خود دیده است. وجه تمایز این روستا از سایر سکونتگاه‌های پیرامونی تهران، هجوم گستردۀ مهاجران افغانستانی و تا حدودی پاکستانی است که نسبت بالایی از جمعیت روستا را تشکیل داده و با خرید زمین و احداث بناهای مسکونی و غیرمسکونی، اجاره‌کاری زمین‌های زراعی و انجام فعالیت‌های اقتصادی پنهان و آشکار، نقشی بی‌بدیل در تحولات ساختاری روستا داشته‌اند. از این‌رو نوشتار پیش‌رو تحولات ساختار اقتصادی روستا را در ارتباط با عملکردهای تهران با تأکید بر نقش مهاجران بیگانه مورد تحلیل قرار داده است.

۲) مبانی نظری

«ساختار» واژۀ مبهمی است که در حوزه‌های مختلفی از دانش به‌کار می‌رود. با توجه به ابهامی که در مفهوم ساختار وجود دارد و جابه‌جایی آن بین حوزه‌های مختلف و کاربرد این واژه در علوم مختلف محیطی و اجتماعی، شناخت آن نیز با ابهاماتی همراه است. به‌طور کلی می‌توان گفت که در شناسایی ساختار، یک کل یا یک نظام جست‌وجو می‌شود که رابطه ثابت و قانونمند میان اجزای آن برقرار است و رابطه ثابت شامل ترتیب اجزاء نیز می‌گردد (اهری، ۱۳۹۵: ۵۸). شناسایی ساختار در بالاترین سطح، جست‌وجوی کلیتی است که بتواند مولد تصویری ذهنی و خوانا در قالب شالوده نمادین باشد؛ از این‌رو می‌توان در سطوح پایین‌تر، شناسایی ساختارهایی را دنبال کرد که بر حسب اهمیت فضاها و بناها و پیوندهای میان آنها، محیط برای ساکنانش معنادار شده است. برای شناسایی این ساختارها از رویکردهای گونه‌شناسانه، ریخت‌شناسانه و معناشناسانه استفاده می‌گردد. در رویکرد گونه‌شناسانه، عناصری جست‌وجو می‌شوند که بنا به عملکردشان، نقش اصلی در حیات سکونتگاه و تحولات آن دارند. در رویکرد ریخت‌شناسانه، کلیت شکل‌یافته از عناصر مرتبط با هم جست‌وجو می‌شوند و بالاخره در رویکرد معناشناسانه، تصور ذهنی حاصل از عناصر و رابطه آنها با هم و خوانایی‌شان و نیز معنایی که برای افراد دارد، بررسی می‌گردد. این رویکردها وقتی کامل هستند که با یکدیگر ترکیب شود و در واقع رویکردی فضاشناسانه اتخاذ گردد (اهری، ۱۳۸۵: ۷۲).

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

ساختار فضایی سکونتگاه‌ها تجلی کنش متقابل میان جامعه انسانی و محیط فیزیکی پیرامون آنهاست (کاتنس[1]، ۲۰۱۰ : ۲۵۳، نقل از افراخته و همکاران، ۱۳۹۵ : ۴۶). سازمان فضایی سکونتگاه‌ها نیز حاصل تعامل درازمدت جوامع انسانی و ساختار طبیعی نواحی بوده و روستاها و شهرها عناصر اصلی این نواحی را تشکیل می‌دهند. سکونتگاه‌های روستایی فضاهایی جغرافیایی حاصل از برآیند مجموعه عوامل و نیروهای چشم‌انداز طبیعی و فرهنگی می‌باشند(افراخته و همکاران، ۱۳۹۵ : ۴۶). ریشهٔ اغلب تغییرات در روستاها در بیرون از عرصه‌های روستایی قرار داشته و جلوه‌های گوناگون این تغییر و تحولات به اشکال مختلف و در زمینه‌های متنوع متجلّی می‌گردد (سعیدی و همکار، ۱۳۸۸). این روند شتابان تحول، در پی خود مسائلی دارد و از این‌روست که بسیاری از مشکلات مکانی- فضایی در سکونتگاه‌های روستایی پیرامون کلانشهرها و به‌خصوص در اطراف تهران، ابعاد وسیع‌تری یافته و گاه نیز به‌صورت پیچیده‌ای جلوه‌گر شده‌اند.

به اعتقاد داگلاس (Douglass, 1988: 178) در کشورهای در حال توسعه، کلانشهر که حاصل سیاست‌های تمرکزگرایانه است، با رشد فزاینده خود، گسترش بی‌حد و حصری پیدا کرده و در نتیجهٔ آن، با برون فرستی جمعیت و واحدها و بنگاه‌های اقتصادی، به سوی روستاهای پیرامون خزش نموده است. هر چه فاصله روستا از کلانشهر کمتر بوده و امکانات و تأسیسات بیشتری در آن موجود بوده، تأثیرات کلانشهر در آنها بیشتر بوده است. آسیب به تولید کشاورزی، آلودگی آب‌ها، افزایش رواناب و سیلاب، آسیب به زیست‌بوم‌ها و تنوع زیستی در همهٔ جهان، پیامد خزش شهر به سمت سکونتگاه‌های پیرامونی بوده است (Olsen & Lyson, 1999, cited in Mylot, 2016). در کنار مصرف فضاهای روستایی توسط شهرها که از پدیده‌های متداول در اغلب کشورها بوده است (شاریه، ۱۳۷۳: ۲۴۶)، در پاره‌ای از نواحی پیرامون شهرهای بزرگ، آن دسته از سکونتگاه‌های نزدیک که از پیشینهٔ فعالیت‌های کشاورزی و ظرفیت‌های منابع آبی و زمین برخوردار بوده‌اند، تحت تأثیر تقاضاها و امکانات فراهم آمده، دستخوش تغییراتی چون جایگزینی کشت محصولات تازه به‌جای کشت‌های سنتی، تغییر الگوی‌های کشت‌وکار و کشت فشرده‌تر زمین نیز شده‌اند (سترتوایت[2] و همکاران، ۲۰۱۰).

کلانشهر تهران به‌عنوان پایتخت از اواسط دهه ۱۳۴۰ شمسی تا به امروز با برخورداری از جایگاه ویژه، سیطره بی‌چون و چرای خود را بر شهرها و روستاها هر چه بیشتر گسترش داده است (اهلرس، ۱۳۸۰ :۱۲۱). این کلانشهر به‌عنوان کانون تمرکز امکانات، سرمایه، ثروت و قدرت، تغییرات شگرفی را در ساخت و بافت روستاهای پیرامون خود اعمال کرده است. عرصه‌های سکونتگاهی پیرامون کلانشهرها، طی دهه‌های اخیر گاهی متأثر از روند بی‌رویهٔ رشد و گسترش کلانشهری با پدیدهٔ خورندگی مواجه و در پیکرهٔ شهر استحاله شده‌اند و برخی نیز در معرض فروپاشی و از هم گسیختگی ساختاری- کارکردی قرار گرفته و پذیرای تحولاتی در ابعاد

[1] Catanese
[2] David Satterthwaite

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مختلف شده‌اند. البته طی این فرایند، همهٔ روستاهای پیرامونی به‌طور همسان و همگن از این تغییرات برخوردار نشده‌اند و هر یک متناسب با امکانات درونی و توان تحولی خود تغییراتی را پذیرفته‌اند. در عرصه‌های ساختاری یا کارکردی روستایی پیرامون کلانشهر تهران نیز به واسطهٔ کُنش و تأثیرگذاری متقابل نیروها و روندهای درونی (روستاها) و بیرونی (اغلب از سوی پایتخت)، مجموعهٔ پیچیده‌ای در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پدید آمده است که چهره کالبدی- فضایی این عرصه‌های مکانی را دگرگون ساخته است. برخی از این عرصه‌ها همچون روستاهای حاشیهٔ جنوبی تهران (کهریزک، اسلامشهر، رباط‌کریم و غیره)، که مقصد خیل عظیم مهاجران و بخشی از جمعیت سرریز پایتخت بوده، کارکردی خوابگاهی یافته‌اند و برخی پهنه‌های روستایی به عرصه‌های خدماتی- تولیدی (کارگاه‌ها، صنایع کوچک شهری، خدمات پشتیبانی مانند انبارها و سوله‌های مورد نیاز پایتخت) تبدیل شده‌اند(رضوانی، ۱۳۸۱ : ۸۵).

۳) روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است. در تحقیق علاوه بر بهره‌گیری از روش‌های توصیفی، از شیوه تحلیل ساختاری و تکنیک تحلیل متقاطع در نرم‌افزار میک‌مک[1] استفاده شده است. در اجرای این روش، از طریق توفان فکری با مشارکت ۵ محقق مسائل روستایی، مصاحبه با خبرگان (متشکل از ۱۰ نفر از مدیران ارشد با سابقه در دهیاری گلحصار و بخشداری کهریزک) و بررسی‌های اسنادی، تمامی مؤلفه‌هایی که در تحولات کالبدی فضایی محدوده مطالعاتی تأثیر مستقیم داشته‌اند، شناسایی و استخراج گردیدند. هر کدام از این متغیرها در یکی از چهار دسته زیر قرار می‌گیرد:

۱- متغیرهایی که ضمن تأثیرگذاری مستقل بر تحولات فضایی کالبدی محدوده مورد مطالعه، بر سایر متغیرهای مؤثر در این امر نیز تأثیرگذار بوده و به لحاظ اینکه وجه تأثیرگذاری آنها غالب است، نقشی کلیدی داشته و در برنامه‌ریزی‌های آتی باید مورد توجه بیشتر قرار گیرد.

۲- متغیرهایی که وجه تأثیرپذیری بر آنها فائق است.

۳- متغیرهایی که هم وجه تأثیرگذاری داشته و هم وجه تأثیرپذیری دارد و به این لحاظ در برنامه‌ریزی‌ها حالت استراتژیک‌تری می‌یابد.

۴- متغیرهایی که در نگاه خبرگان و از خلال اسناد موجود، مشخص شده بر تحولات فضایی کالبدی گلحصار دخیل بوده اما تأثیرگذاری یا تأثیرپذیری آن‌چنانی از سایر متغیرها نداشته و مستقل تلقی می‌شود.

به منظور تعیین جایگاه متغیرهای مشخص‌شده در چهار دسته فوق، از روش تحلیل متقاطع و نرم‌افزار میک‌مک بهره گرفته شده است. به این صورت که متغیرهای شناسایی شده در ماتریسی وارد شده و سپس

[1] Micmac

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

میزان تأثیر متغیر ردیف بر متغیر ستون توسط ۵ نفر از مدیران خبره روستایی در منطقه با ارقام ۰ تا ۳ مشخص گردید. نزدیک‌ترین عدد صحیح به رقم میانگین نظرات، مبنای عمل قرار گرفته و در نرم‌افزار میک‌مک وارد شد. در روش تحلیل ساختاری متقاطع، رقم ۰ معرف نبود تأثیر، ۱ معرف تأثیر ضعیف، ۲ معرف تأثیر متوسط و ۳ معرف تأثیر زیاد است. حاصل جمع ارقام هر ردیف بیانگر تأثیرگذاری عامل مربوط و حاصل جمع ارقام ستون بیانگر تأثیرپذیری عامل مربوط است (Asan & Asan, 2007 : 628).

قسمتی از اطلاعات مورد نیاز تحقیق از منابع اسنادی به‌ویژه نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، شناسنامه آبادی‌ها و فرهنگ آبادی‌های کشور به دست آمده است. برخی اطلاعات و داده‌ها از دستگاه‌ها و سازمان‌های مسئول از جمله دهیاری گلحصار و سازمان جهاد کشاورزی شهرستان ری دریافت شده و پاره‌ای نیز با مشاهدات، مطالعات و محاسبات میدانی محقق گردآوری شده است. با عنایت به وجه تمایز روستا که با مهاجرت انبوه اتباع بیگانه مشخص بوده و نقش آنها در موضوع مورد بررسی مبرهن بوده است، نیز با توجه به سکونت ۶۷۵ خانوار از اینان بنا به آمارهای دهیاری گلحصار در زمان تحقیق، نمونه آماری متشکل از ۲۴۰ سرپرست خانوار از خانوارهای غیرایرانی مهاجر روستا، به روش تصادفی ساده و به استناد مدل کوکران انتخاب شده و برخی دیگر از اطلاعات مورد نیاز به کمک پرسشنامه از گروه نمونه فوق کسب گردیده است.

روستاهای سالمبر و قوچ‌حصار محدوده مورد مطالعه در این تحقیق را تشکیل می‌دهد. این روستاها از توابع دهستان کهریزک از شهرستان ری بوده و در استان تهران قرار دارند. این دو روستا از سال ۱۳۹۲ مجموعاً به عنوان گلحصار شناخته می‌شوند. روستای نامبرده حدود ۴ کیلومتر از جاده قدیم قم تهران و از منطقه ۲۰ شهرداری تهران فاصله دارد.

۴) یافته‌های تحقیق

کاهش جمعیت روستایی و اشتغالات کشاورزی رویه‌ای فراگیر در همهٔ جهان است. در کشور ما نیز اغلب روستاها به خصوص روستاهای مناطق مرزی و دورافتاده کشور و آنها که در فاصله دور از کلانشهرها و شهرهای بزرگ قرار دارد، در چند دههٔ اخیر با ثبات نسبی جمعیت و حتی بسیاری با کاهش جمعیت روبه‌رو بوده است. تخلیه بسیاری از روستاها از جمعیت و سرازیرشدن مهاجرین به کلانشهرها و به خصوص تهران از چالش‌هایی بوده که کشور ما طی قریب به یک قرن با آن دست به گریبان بوده است. بررسی منابع آماری نشان می‌دهد که تعداد قابل توجهی از روستاهای کشور در فرآیند تخلیه جمعیتی قرار گرفته و در گذر زمان جمعیت خود را از دست داده است. برای مثال در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، ۵۳ درصد روستاها نرخ رشد جمعیتی منفی را تجربه کرده است. طی سال‌های ۱۳۶۵تا ۱۳۷۵، ۴۵ درصد از روستاهای کشور دارای رشد جمعیتی منفی بوده است. همچنین درصد این‌گونه از روستاها در فاصله سال‌های ۵۵ تا ۶۵، ۲۹ درصد و

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

در دهۀ ۴۵ تا ۵۵، ۴۳ درصد بوده است (فیروزنیا و همکار، ۱۳۹۲ : ۳۸). در این میان، روستاهای مجاور کلانشهرها در پرتو تأثیرات این شهرهای بزرگ نه تنها جمعیت خود را از دست نداده، بلکه هرآینه رشدی فراتر از میانگین رشد جمعیتی کشور را نیز تجربه نموده است. شهر- منطقه تهران مقصد دو نوع جابه‌جایی جمعیت بوده است: یکی مهاجرت به مقصد تهران و دیگری حرکت از درون به محیط پیراشهر که به دلیل عدم تطابق شرایط اجتماعی - اقتصادی جمعیت مهاجر با ویژگی‌های سکونتی درون شهر، به محیط پیراشهری رانده می‌شود (افراخته،۱۳۹۴ : ۴۸). روستای مورد مطالعه، نمونه بارز روستاهای پیرامون کلانشهر تهران است که علی‌رغم کاهش منابع آب و خاک، تحت تأثیر عملکردهای پایتخت، واجد ظرفیت‌هایی گردیده که توانسته رشد جمعیتی بالایی داشته باشد.

جدول شماره (۱) جمعیت و تغییرات آن در روستای گلحصار

سال	تعداد جمعیت	درصد رشد سالانه جمعیت
۱۳۹۵	۶۸۸۸	-۱/۲۴
۱۳۹۰	۷۳۳۲	۰/۴
۱۳۸۵	۷۰۴۲	۰/۵۶
۱۳۷۵	۶۶۶۱	۳/۴
۱۳۶۵	۴۷۷۲	۱۲/۸
۱۳۵۵	۱۴۳۲	۵/۸
۱۳۴۵	۸۱۴	۸/۷
۱۳۳۵	۱۹۷	-

منبع: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های مربوط

جمعیت روستای گلحصار در طول ۶ دهه تقریباً ۳۷ برابر شده و میانگین رشد سالانه جمعیت آن بیش از ۶ درصد بوده است. بیشترین رشد در دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ اتفاق افتاده و تا سال ۱۳۷۵ همچنان از رشد جمعیتی بالایی برخوردار بوده اما از آن پس کمترشده تا اینکه در سال‌های اخیر به نزدیک صفر رسیده و حتی در دوره ۵ سالۀ ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵، منفی نیز شده است. بدیهی است که رشد طبیعی جمعیت نتواند چنین افزایشی را فراهم آورد. از این‌رو باید مهاجرپذیری روستا و علل آن را در توسعه و رشد جمعیت مؤثر دانست.

در سال‌های گذشته بیش از ۳۵۰ خانوار از افراد بومی که بسیاری از آنان حتی هنوز صاحب نسق زراعی و املاک و زمین کشاورزی هستند، به شهر مهاجرت نموده‌اند در مقابل، ورود چند برابری مهاجر از داخل و خارج از کشور(افغانستان) سبب رشد فیزیکی و جمعیتی روستا گردیده است، به‌طوری‌که قوچ‌حصار و سلمبر قدیم که در فاصله چند صد متری از یکدیگر قرار داشته و تا ۵۰ سال قبل، از کمتر از ۳ هکتار فضای سکونتگاهی برخوردار بودند، به یکدیگر متصل شده و اکنون فضایی بالغ بر ۳۶ هکتار را تحت کاربری‌های مختلف سکونتگاهی قرار داده‌اند (دهیاری گلحصار، ۱۳۹۵). شکل ۲ محدوده جغرافیایی روستا و تغییرات آن

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

طی هفت دهۀ گذشته را نشان می‌دهد. تا سال‌های ۱۳۳۲ دو هستۀ تشکیل دهندۀ روستای کنونی، بر روی هم کمتر از ۳ هکتار مساحت داشتند. در کمتر از دو نیم دهه، مساحت آنها دو برابر افزایش یافته و به ۶ هکتار رسید. طی دو دهۀ اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی یعنی در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶ فضای فیزیکی روستا چهار برابر افزایش یافته و به حدود ۲۴ هکتار می‌رسد. پس از آن نیز با وجود اعمال قانون ممنوعیت تغییر کاربری اراضی کشاورزی، بیش از ۱۳ هکتار زمین در قلمرو فضاهای ساخته‌شده روستا قرار گرفته و ضمن احداث مجموعه‌های مسکونی، تأسیساتی، خدماتی، گذرگاهی و مراکز کارگاهی، انباری و تجاری، قلمرو ساخته‌شده روستا به ۳۶ هکتار افزایش می‌یابد. جدا از رشد فیزیکی و جمعیتی، در پرتو تأثیرات کلانشهر تهران، الگوی کاربری زمین در روستا نیز دچار تحول اساسی شده است. جدول ۲، تغییرات کاربری زمین در سال‌های ۱۳۷۶ و ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۲) تغییرات کاربری زمین از سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۵

نوع کاربری	سال ۱۳۷۶*			سال ۱۳۹۵**		
	مساحت (مترمربع)	درصد از کل زمین روستا	سرانه (متر مربع)	مساحت (مترمربع)	درصد از کل زمین روستا	سرانه (متر مربع)
مسکونی	۱۲۷۹۸۸	۴۳/۸۱	۱۸	۱۶۶۹۹۲	۳۹/۷۶	۲۱/۶۹
تجاری	۷۸۹۵	۲/۷۰	۱/۱	۲۶۱۲۴	۶/۲۲	۳/۳۹
اداری	۱۹۲	۰/۰۷	۰/۰۳	۳۸۲۲	۰/۹۱	۰/۵۰
آموزشی	۱۱۸۵	۰/۴۱	۱/۶۷	۵۴۲۶	۱/۵۳	۰/۸۳
درمانی	۲۴۳۱	۰/۸۳	۰/۳۴	۳۶۹۶	۰/۸۸	۰/۴۸
بهداشتی	۴۲۵	۰/۱۵	۰/۰۶	۸۸۲	۰/۲۱	۰/۱۱
مذهبی	۱۳۴۹	۰/۴۶	۰/۱۹	۲۰۱۶	۰/۴۸	۰/۲۶
ورزشی	۲۰۳	۰/۰۷	۰/۰۳	۵۴۶	۰/۱۳	۰/۰۷
انبار	۳۳۲۸	۱/۱۴	۰/۴۷	۵۱۲۴	۱/۲۲	۰/۶۷
دامداری	۱۱۸۶۰	۴/۰۶	۱/۶۷	۸۵۶۸	۲/۰۴	۱/۱۱
گورستان	۳۴۱۸	۱/۱۷	۰/۶۲	۴۰۳۲	۰/۹۶	۰/۵۲
تأسیسات	۴۴۰۰	۱/۵۱	۰/۶۲	۶۸۰۴	۱/۶۲	۰/۸۸
تفریحی	۳۷۲۱	۱/۲۷	۰/۵۲	۱۰۳۳۲	۲/۴۶	۱/۳۴
معابر	۶۱۹۷۷	۲۱/۲۱	۸/۷	۱۱۹۲۸۰	۲۸/۴	۱۵/۴۹
مزروعی	۲۸۵۰۹	۹/۷۴	۴/۱	۲۵۴۱۰	۶/۰۵	۳/۳۰
فرهنگی	۶۹	۰/۰۲	۰/۰۱	۴۵۷۸	۱/۰۹	۰/۵۹
بایر	۳۳۱۹۱	۱۱/۳۶	۴/۷	۱۶۶۹۹۲	۶/۰۴	۳/۲۹

منابع : *مهندسین مشاور فجر و توسعه، ۱۳۷۶ – **دهیاری روستای گلحصار، ۱۳۹۵

با وجود آنکه بسیاری از فعالیت‌های کارگاهی سبک که در جدول در قید کاربری تجاری معرفی شده‌اند، به‌صورت غیر رسمی و در مساکن صورت می‌گیرند، با این حال وسعت این کاربری‌ها طی دو دهه ۳/۳ برابر

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

افزایش یافته است. طی این دوره زمانی کاربری‌های مسکونی حدود ۴ هزار مترمربع و جمعیت روستا حدود یکهزار نفر افزایش یافته اما نسبت این کاربری در مجموع اراضی، با وجود افزایش سرانه حدود ۳/۷ مترمربع، حدود ۵ درصد تنزل داشته است که گواه نوسازی بافت‌های فرسوده و احداث مجتمع‌های آپارتمانی و چند طبقه در روستاست.

از جنبه‌های تأثیرگذاری تهران بر رشد روستای مورد مطالعه، وجود فرصت‌های اشتغال مخصوصاً در مشاغل ساده و به‌ویژه فعالیت‌های ساختمانی در تهران بوده و گلحصار به دلیل موقعیت خود در نزدیکی تهران و راحتی رفت و آمد از یک سو و سهولت اسکان به شکل تملک و احداث مسکن و یا مناسب بودن شرایط اجاره از سوی دیگر، جاذبه‌ای ایجاد کرده که مهاجرینی از داخل و خارج از کشور که به این امور اشتغال می-ورزیده‌اند، در این روستا اقامت گزیده و تولد نسل بعدی در این محل و وجود بستگان و خویشان، بعدها انگیزه مضاعفی برای نسل جدید در گزینش این محل برای زندگی ایجاد نماید. سکونت ۶۷۵ خانوار از مهاجرین افغانی در روستا که جمعیتی در حدود ۳۱۰۰ نفر یعنی بیش از یک‌سوم سکنه را تشکیل می‌دهند در رشد روستا تأثیرگذار بوده است. در بررسی پیمایشی موارد فوق، با توجه به مدل کوکران، یک نمونه آماری متشکل از ۲۴۰ نفر از سرپرستان خانوار از افاغنه ساکن این روستا به شکل تصادفی انتخاب شده و موارد: سن، سابقه سکونت در روستا، علت انتخاب روستا به عنوان محل سکونت، شغل، محل غالب اشتغال، مسکن و مالکیت از آنها مورد پرسش قرار گرفت. نمونه انتخاب شده از مردان سرپرست خانوار بوده و میانگین، میانه و نمای سنی آنها به ترتیب ۴۳/۰۲ ، ۴۲ و ۴۵سال بوده است. از تعداد نمونه، ۳۶ خانوار (۱۵ درصد) در ۱۰ سال اخیر به این روستا مهاجرت نموده بودند. ۵۸ خانوار (۲۴ درصد) سابقه سکونتی از ۱۱ تا ۲۰ سال داشتند، سابقه سکونت ۱۱۸ خانوار (۴۹ درصد) بین ۲۱ تا ۳۰ سال بوده و بالاخره ۴۱ خانوار (۵۳ درصد) از بیش از ۳۰ سال سابقه سکونت برخوردار بودند. همچنین ۳۹ درصد به عنوان کارگر کشاورزی و دامداری و یا اجاره‌کار زمین-های کشاورزی به‌کار اشتغال داشتند. ۳۱ درصد بنا یا کارگر ساختمانی بوده، ۱۴ درصد در کارگاه‌ها و صنایع به‌کار می‌پرداختند و بقیه یعنی ۱۶ درصد به مشاغل دیگری چون فروشندگی، مقنی‌گری، خدمات رفتگری و نظافت ساختمان‌ها، نگهبانی و کفاشی می‌پرداختند. از نمونه آماری، ۴۳ درصد محل اشتغالی در خود روستا داشته و به رفت و آمد روزانه نیاز نداشتند و بقیه (۵۷ درصد) محل اشتغالی در خارج از روستا (غالبا مناطق تابعه شهرداری تهران۶) داشته و به‌طور روزانه به محل کار رفت‌وآمد می‌نمودند. ۴۴ درصد خود مالک مسکن بوده و ۵۶ درصد مستاجر بودند. از خانوارهای مستاجر، ۷۶ درصد در منزلی متعلق به یک فرد ایرانی ساکن بودند و ۲۴ درصد در مسکن یکی از افاغنه سکونت داشتند.

تحلیل اطلاعات، نشانگر تأثیرپذیری اقامت و جمعیت‌پذیری روستا تحت تأثیر کلانشهر تهران است. چنان‌که عمده جمعیت مهاجر از افغانستان (نزدیک به ۴۰ درصد)، در کارگری مزارع و یا اجاره‌کاری زمین‌های

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

کشاورزی که متعلق به ساکنین فعلی روستا و صاحبان نسق مهاجرت کرده از روستا است، به کار و امرار معاش اشتغال دارند. وسعت زمین‌های کشاورزی روستا حدود ۸۰۰ هکتار است که بیش از۷۰۰ هکتار آن زیرکشت سبزیجات و ۶۰ تا ۷۰ هکتار زیرکشت گندم و جو قرار داشته و ۲۰ هکتار را باغات تشکیل می‌دهند (مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان ری، ۱۳۹۵). در سال ۱۳۷۷ مساحت بهره‌برداری‌های کشاورزی روستا حدود ۹ هزار هکتار، تعداد بهره‌برداران کشاورزی ۱۲۰ خانوار و عمده‌ترین کشت‌ها را سبزی، صیفی و گندم و جو تشکیل می‌داده‌اند (مهندسین مشاور فجر و توسعه، ۱۳۷۷: ۶۷). اطلاعات مندرج در فرهنگ جغرافیایی ایران و فرهنگ آبادی‌ها مربوط به سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۴۵ و پرسشگری‌های محلی، گویای آن است که در آن سال‌ها عمده اراضی زیر کشت گندم و جو و بخش کوچکی تحت کشت چغندر و یا صیفی قرار داشتند. به دلیل مسافت کوتاه با تهران و بازار آن برای کشت‌های سودآوری چون سبزیجات که به دلیل فسادپذیری سریع، به‌شدت تحت تأثیر عامل فاصله از بازار قرار دارند، چند دهه است که تقریباً کشت گندم و جو منسوخ شده و کشت انواع سبزیجات جایگزین گردیده است، به طوری‌که حدود ۹۰ درصد زمین‌ها همواره زیرکشت انواع سبزیجات قرار دارند. تغییر کشت از گندم و جو به سبزیجات به دلیل صرفه و سودآوری ناشی از نزدیکی به بازار تهران و تأثیر شهر بر منابع آبی روستا صورت گرفته است. بررسی‌های به عمل آمده از کشاورزان قدیمی روستا نشان می‌دهد که در شرایط کشت نیمه مکانیزه، هر هکتار گندم و جو با توجه به زمان طولانی کاشت تا برداشت و برداشت تنها یک محصول در سال که در گذشته متداول بوده، حدود ۶۵ نفر ساعت نیروی کار مورد نیاز بود. در شرایط معمول کشت سبزیجات در زمین‌های کشاورزی روستای گلحصار، معمولا در هر سال۳ تا ۴ بار از زمین محصول برداشت شده و به علاوه سودآوری کار باعث می‌شود که هیچگاه زمین به آیش رها نشود. کار کاشت، وجین، نگهداری و برداشت، بسته‌بندی و حمل سبزیجات بسیار کارگربر است و معمولاً هر هکتار زمین در طول سال بیش از ۹۰۰ نفر ساعت نیروی کار می‌طلبد. این موضوع زمینه‌ساز جلب کارگران ساده و حرفه‌ای کشاورزی شده که غالباً از اتباع افغانستان هستند و حتی در این سال‌ها، تعداد بسیاری از آنها که به‌صورت مجرد مهاجرت کرده و در روستا اجازه اقامت ندارند در کلبه های متعدد بنا شده در میان مزارع به‌صورت گروهی زندگی می‌کنند. در زمان تحقیق تعداد این افراد ۷۱ نفر بود. بسیاری از اینان به‌عنوان کارگر فصلی اوایل بهار به اینجا آمده و در اواسط پاییز به افغانستان باز می‌گردند. تغییر کشت مستلزم نیاز به آبیاری بیشتر نیز بوده است. نواحی جنوبی ری از گذشته به دلیل قرارگیری در منتهی‌الیه مخروط-افکنه‌های پایکوهی البرز و جریان رودها و چشمه‌ها، از آب سطحی فراوان و قنات‌های پرآب برخوردار بوده اما پس از احداث سد و قطع جریان رودها، آب‌های سطحی آن نقصان یافته‌اند. اما از طرفی باید توجه داشت که کانال‌های انتقال فاضلاب و هرزآب‌های بخش اعظم شهر تهران از نزدیکی زمین‌های کشاورزی گلحصار می-گذشته‌اند. در سال ۱۳۸۶، در مواقع بارندگی هفت کانال به طول ۲۵۴۲۴ متر ۱۴۳مترمکعب در ثانیه روناب

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

و فاضلاب مناطق بالادست تهران را به منطقه ۲۰ شهرداری تهران منتقل می‌کردند. ۱۶کانال درجه دو به طول ۵۹۴ متر نیز ۱۳/۵ مترمکعب در ثانیه هرزآب و فاضلاب را هنگام بارندگی و ۵ مترمکعب در ثانیه فاضلاب را در روزهای عادی به این منطقه انتقال می‌دادند. میزان فاضلاب انتقال یافته از۴۲ کانال انتقال فاضلاب محلی به طول ۸۲۰ متر نیز ۸ در هر ثانیه مترمکعب فاضلاب بود (تاج‌الدین، ۱۳۸۶). ازطریق کانال های درجه یک سرخ حصار، فیروز آباد، ماندگاری، خروجی سوم تهران، صالح آباد (بهشتی) و یاخچی آباد به-طور میانگین درفصول مختلف سال بین ۱۰ تا ۵۰ متر مکعب در ثانیه فاضلاب و هرزآب مناطق فرادست وارد محدوده منطقه ۲۰ شهرداری تهران می‌شده است. مطابق آمار دیگری در هر ثانیه به‌طور متوسط ۲۵ متر مکعب فاضلاب شهری صنعتی تهران وارد اراضی مجاور این منطقه می‌شده است. از نهر فیروزآباد به‌طور میانگین در هر ثانیه ۴ مترمکعب (سازمان آب منطقه‌ای تهران، ۱۳۸۷) فاضلاب شهری عبور می‌کند. هرچند در این روستا از این آب‌ها جز برای آبیاری گندم و جو استفاده نمی‌شده، اما عبور فاضلاب از کانال‌های بدون پوشش از فاصله‌های چند صد متری مزارع و وجود چاه‌های جذبی فاضلاب در تهران موجب تقویت سفره‌های آب زیرزمینی این منطقه می‌گردیدند. در گذشته آب کشاورزی روستا از ۴ رشته قنات تأمین می‌شد که هر کدام به‌طور میانگین ۳۵ لیتر در ثانیه آبدهی داشتند. در سه دهۀ گذشته، ۱۵ حلقه چاه عمیق و ۶۵ چاه نیمه‌عمیق غیرمجاز(مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان ری، ۱۳۹۵) که به دلایل فوق در بالا بودن سطح آب‌های زیرزمینی حفر شده بودند، آب مورد نیاز مزارع سبزیکاری‌ها را که بالطبع چندین برابر نیاز گذشته در شرایط کشت گندم و جو بود، فراهم می‌آوردند.

بازار کارهای ساختمانی در مناطق مختلف تهران زمینه‌ساز اقامت گروه دیگری از اتباع افغانستان و مهاجران داخلی است که تقریباً یک سوم نمونه آماری مورد مطالعه به این‌گونه کارها پرداخته و ناگزیر از تردد روزانه به تهران بودند. این گروه در خصوص علت انتخاب گلحصار به‌عنوان محل سکونت به ترتیب این عوامل را تأیید می‌نمودند: سهولت و ارزانی رفت‌وآمد روزانه به تهران (۱۰۰ درصد افراد مورد پرسش)، سکونت در مجاورت اقربا و خویشان (۷۴ درصد از افراد مورد پرسش) ، پایین‌بودن کرایه منزل و متداول بودن واگذاری منزل به اتباع افغانستان بر خلاف برخی جاها که با مقاومت همسایگان مواجه می‌گردد (۸۶ درصد از افراد مورد پرسش).

چنانکه اطلاعات آماری ماخوذ از نمونه نشان داد، درصد بالایی از شاغلین به‌طور روزانه به خارج از روستا که عمدتاً مناطق تابعه شهرداری تهران و مجموعه‌های صنعتی و کارگاهی مجاور تهران در نزدیکی گلحصار است، رفت‌و آمد داشته‌اند. موجودیت این صنایع و کارگاه‌ها و بازارهای اشتغال مربوط نیز بی‌تردید تحت تأثیر تهران است. در مجاورت جاده ورودی به روستا، فعالیت ۱۴ واحد فروش دام زنده که بازار اشتغالی برای حدود ۴۵ نفر فراهم آورده‌اند، متأثر از بازار تهران است و بنا به اظهار گردانندگان، مشتریان آنها غالباً از ساکنان

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

مناطق شهرداری‌های جنوب تهران می‌باشند. فعالیت۴ واحد کارگاه چربی‌سوزی که حدود ۳۰ نفر را به طور مستقیم جذب کار نموده‌اند مرتبط با تهران است. چربی و امحاء و احشاء دام و طیور که ماده خام مورد استفاده این کارگاه‌هاست از کشتارگاه‌های دام و طیور پیرامون و یا از گوشت و مرغ‌فروشی‌های تهران تهیه می‌شود. ۴ واحد بازیافت پلاستیک نیز در ارتباط با مواد اولیه آنها که از تهران فراهم می‌شود و ضعف کنترل-های بهداشتی در این محل مکان‌گزینی نموده‌اند. تعداد این کارگاه‌ها که به دلیل آلایندگی و عدم وجود کنترل‌های بهداشتی در این محل مستقر بودند، در گذشته بسیار بیشتر بود اما برخی تحت فشار سازمان‌های مسئول جابه‌جا شده‌اند. کارگران این صنایع همه افغانی بوده و در گلحصار اقامت دارند. در گلحصار کارگاه‌هایی دایر شده و فعالیت می‌کنند که دفتر فروش آنها در تهران است، از این دسته می‌توان ۴ کارگاه کابینت‌سازی، ۴ کارگاه نجاری، ۳ واحد قالی‌شویی، ۸ کارگاه آهنگری و ۱۵ کارگاه خیاطی و بافندگی را نام برد (دهیاری گلحصار، ۱۳۹۵). ۷۵ نفر از سکنه در صنایع بزرگی چون پالایشگاه تهران و خوشه‌های صنعتی مربوط از جمله انبار و توزیع فرآورده‌های نفتی، شرکت‌های گاز مایع، شرکت‌های بهران، پاسارگاد و ایرانول مشغول به‌کار می-باشند. استقرار صنایع مذکور که یک قطب مهم صنعتی را در پالایش، تولید و توزیع فرآورده‌های نفتی مختلف تشکیل می‌هند در فاصله نزدیکی از جنوب روستا، نیز تحت تأثیر نزدیکی به تهران بوده و به‌طور غیرمستقیم در ایجاد اشتغال در محدوده مورد مطالعه و توسعه این آبادی تأثیر گذاشته است. در اغلب مطالعات این اتفاق نظر وجود دارد که استقرار پروژه‌های صنعتی در روستاها و نواحی مجاور، می‌تواند جدا از آثار مثبت فراوان، نتایج ناگواری در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی ببار آورد (صادقلو و همکاران، ۱۳۹۵ : ۱۷۷) که آلودگی محیط و خطر تهدید بیماری و مسمومیت ساکنان، تغییر چشم‌اندازها، تهدید سلامت احشام و تغییر کاربری اراضی از جمله آنها است (همان : ۱۷۸).

بیش از ۲۲۵ خانوار از مهاجرین افغانی ساکن روستا (همان) با اینکه فاقد شناسنامه و مدارک هویتی ایرانی هستند و نمی‌توانند اسناد رسمی را به نام خود ثبت نمایند با خرید زمین‌های قولنامه‌ای و در سایه عدم کنترل‌های ساختمانی، مبادرت به احداث مسکن نموده‌اند. حدود ۴۰ درصد از اینان با داشتن واحدهای ساختمانی اضافه بر نیاز، آنها را به هموطنان خود اجاره داده و به این ترتیب موجبی برای جذب بیشتر جمعیت مهاجر افغانی و توسعه فیزیکی روستا فراهم آورده‌اند. بازار اجاره‌نشینی مسکن یکی از منابع درآمد ساکنان قدیمی روستا و خانواده‌هایی است که از این روستا مهاجرت نموده‌اند اما هنوز واجد مایملک غیرمنقول می‌باشند. برآوردهای دهیاری حکایت از این دارد که بیش از ۴۰ درصد واحدهای مسکونی (همان) در اجاره مهاجرینی از سایر نقاط کشور و یا از کشور افغانستان است. تزریق این درآمدها به روستا سببی بر رشد آن و انگیزه‌ای برای ماندگاری جمعیت بومی بوده است.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

رفت و آمدهای زیاد روزانه به تهران و محل‌های اشتغال پیرامون روستا، فرصت‌های شغلی را در بخش-هایی چون حمل‌ونقل را بوجود آورده و ماندگاری و جلب مهاجر به روستا را سبب گردیده است. تنها معدودی از خانوارهای افغانی ساکن صاحب خودرو بوده و به این ترتیب توانسته‌اند از خودرو شخصی خود برای رفت-وآمد استفاده کنند. اغلب، به دلیل عدم تمکن مالی و یا محدودیت‌های قانونی فاقد خودرو شخصی هستند و ناگزیر از وسایل نقلیه عمومی برای رفت‌وآمدهای به تهران استفاده می‌کنند. این موضوع و حمل و نقل محصولات زراعی، گسترش بخش شغلی حمل‌ونقل را باعث گردیده است. دهیاری گلحصار میانگین روزانه تعداد سفر رفت‌و برگشت از این روستا به تهران را رقمی در حدود ۲۵۵۰ سفر برآورد کرده است. علاوه بر ۲۱ دستگاه مینی‌بوس و ۱۷ دستگاه تاکسی، عده زیادی که برآوردهای دهیاری آنها را بیش از ۳۰ نفر می‌داند به شکل غیررسمی با جابه‌جایی مسافر روزگار می‌گذرانند. عده‌ای نیز که تعداد آنها در همین حدود برآورد شده با داشتن وانت‌بار و کامیونت از طریق حمل روزمره سبزیجات به میدان تره‌بار تهران، امرار معاش می‌کنند.

موقعیت جغرافیایی مناسب و بالطبع تقاضاهایی که برای سکونت در این روستا وجود داشته، در سال‌های اخیر اجرای طرح مسکن مهر را به تعداد ۳۴۴ واحد به شکل بلوک‌های آپارتمانی چهار طبقه باعث گردیده است. حدود دوسوم از این واحدها که بر روی ۴ هکتار زمین کشاورزی بنا شده‌اند، متقاضیانی از خارج از روستا داشته است. واحدهای مذکور نیز جدا از تغییر در بافت فیزیکی روستا، پس از واگذاری سببی بر جلب جمعیت و رشد روستا خواهد گردید. از یافته‌های فوق و اجرای توفان فکری که اشاره گردید، ۲۸ مؤلفه، واجد تأثیرات مستقیم در تحولات فضایی- کالبدی روستای گلحصار تشخیص داده شدند. متغیرها به شرح پیش‌گفته در ماتریسی وارد شده و درجه تأثیر هر یک بر دیگری با ارقام ۰ تا ۳ مشخص و داده‌های ماتریس به نرم‌افزار میک‌مک وارد گردید که خروجی نرم‌افزار به‌صورت شکل ۱ و جدول ۳ است.

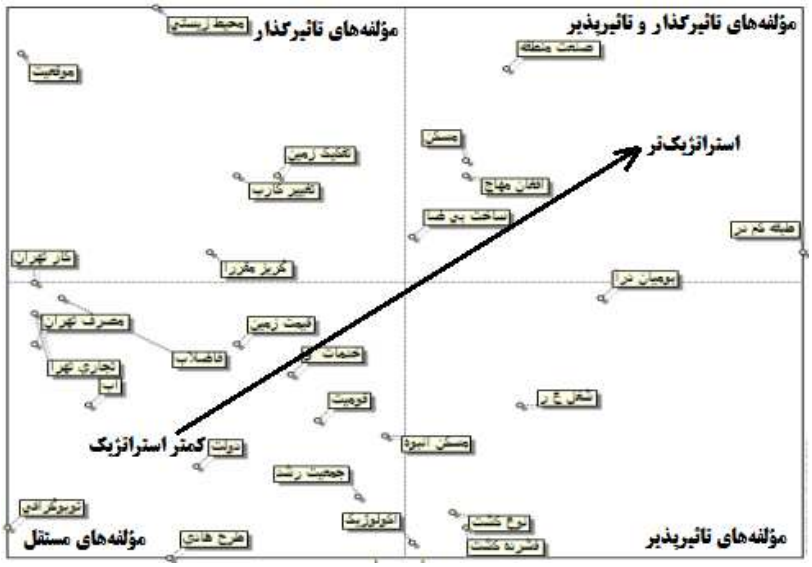

شکل شماره (۱) مدل حاصل از تحلیل متقاطع متغیرهای تأثیرگذار بر تحولات فضایی کالبدی گلحصار در نرم‌افزار میک‌مک

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

جدول شماره (۳) وضعیت تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مؤلفه‌های تحولات فضایی کالبدی گلحصار

مؤلفه‌های تأثیرگذار و تأثیرپذیر			مؤلفه‌های تأثیرگذار		
مؤلفه	مجموع ردیف	مجموع ستون	مؤلفه	مجموع ردیف	مجموع ستون
موقعیت صنعتی منطقه	۳۸	۳۷	ضعف قوانین محیط‌زیستی و اجرای آنها	۴۲	۱۱
سهولت احداث و اجاره مسکن	۳۲	۳۴	موقعیت روستا در نزدیکی تهران تهران	۳۹	۱
مقبولیت مهاجران افغان	۳۱	۳۴	امکان تفکیک و تقطیع خود ساخته زمین	۳۱	۲۰
امکان ساخت و سازهای بی‌ضابطه	۲۷	۳۰	امکان تغییر کاربری زمین کشاورزی	۳۱	۱۷
ورود طبقات کم‌درآمد	۲۶	۵۹	بازار کار تهران و اطراف	۲۴	۲
درآمد بالای جمعیت بومی از اجاره زمین زراعی و مسکن	۲۳	۴۴	امکان گریز از مقررات و عوارض کسب و کار	۲۶	۱۵

مؤلفه‌های تأثیرپذیر			مؤلفه‌های مستقل		
مؤلفه	مجموع ردیف	مجموع ستون	مؤلفه	مجموع ردیف	مجموع ستون
زمینه‌های اشتغالات غیررسمی و غیرقانونی	۱۶	۳۸	بازار مصرف تهران		
اجرای طرح‌های انبوه‌سازی مسکن	۱۴	۲۸	قیمت پایین زمین	۲۰	۱۷
تغییر کشت غالب از کندم و جو به سبزیجات	۳۱	۲۰	نقش فاضلاب‌های تهران	۲۳	۴
			نقش تجاری تهران	۲۲	۲
			وجود خدمات و امکانات زندگی	۱۸	۲۱
			سفره‌های غنی آب زیرزمینی	۱۶	۶
			قرابت قومی در محل	۱۵	۲۳
			سرمایه‌گذاری دولت	۱۲	۱۴
			رشد طبیعی بالای جمعیت	۱۰	۲۶
			وضعیت توپوگرافی	۸	۰
			اجرای طرح هادی روستا	۶	۱۲
			وضعیت اکولوژیک منطقه	۷	۳۰

نتایج تحلیل متقاطع نشان می‌دهد که «ضعف قوانین محیط‌زیستی و اجرای آنها» گذشته از تأثیر مستقل بر تحولات فضایی کالبدی روستا، تأثیرگذارترین متغیر بر ۲۷ متغیر تأثیرگذار دیگر نیز بوده است؛ از این‌رو کلیدی‌ترین مؤلفه‌ای است که در برنامه‌ریزی‌ها آتی باید مورد توجه قرار گیرد. پس از آن موقعیت روستا در فاصله نزدیک از تهران چنین عملکردی داشته است، چنانچه نتایج تحلیل توصیفی نیز نشان داد سرمنشاء بسیاری از تحولات به وجود آمده در روستا به نحوی مرتبط با این عامل بوده است. سومین و چهارمین متغیرهایی که ضمن تأثیرگذاری مستقل بر تحولات روستا، بر دیگر متغیرها نیز تأثیرگذاری بیشتری داشته‌اند امکانی بوده که در گذشته برای «تفکیک خودساخته قطعات زمین کشاورزی» و «تغییر کاربری زمین کشاورزی» برای احداث مسکن، کارگاه و محل کسب، معبر و مانند آن وجود داشته است. قولنامه‌ای بودن اراضی و نداشتن سند رسمی که مستلزم طی تشریفات قانونی باشد،

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

این امر را تسهیل نموده است. «وجود بازار کار گسترده در تهران و پیرامون» به شرحی که پیش‌ازاین آمد و «امکان گریز از مقررات کسب و کار و پرداخت عوارض و مالیات» پنجمین و ششمین متغیر کلیدی و تأثیرگذار بر دیگر متغیرها بوده‌اند که در برنامه‌ریزی‌های آینده باید مد نظر قرار داشته باشند. مدل روابط مستخرج از تحلیل متقاطع نرم‌افزار مک‌میک نیز نشان می‌دهد که سطح ارتباط و تأثیر متغیرهای یادشده همه در طیف « قوی‌ترین» بوده و هیچ‌یک در طیف‌های دیگر ظاهر نشده است (شکل ۲).

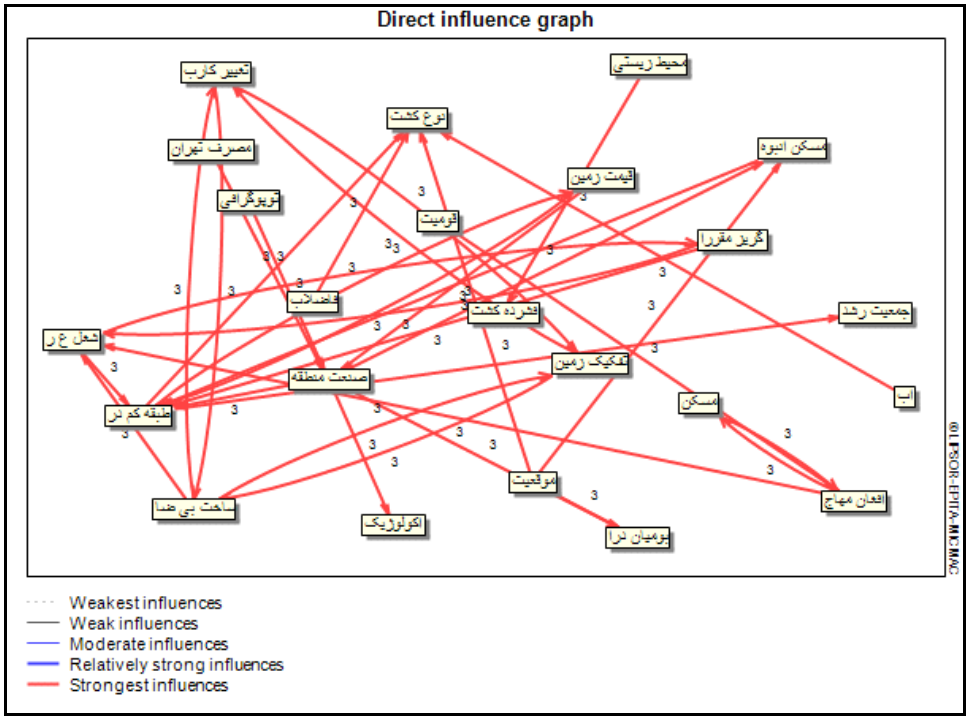

شکل شماره (۲)سطح ارتباط و تأثیر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تحولات فضایی کالبدی گلحصار

۵) نتیجه‌گیری

گلحصار کنونی که از ادغام و اتصال دو روستای کوچک به وجود آمده، نمونه‌ای از سکونتگاه‌های پیرامون تهران است که با تأثیرپذیری از این شهر، در چند دهۀ گذشته رشد سرسام‌آور غیرطبیعی را تجربه نموده است. نزدیکی به تهران از جهت بازار کار، تأمین سرمایه و مواد اولیه، بازار مصرف و خدماتی که برای جمعیت ساکن در روستا فراهم آورده از یک طرف، ضعف کنترل‌های قانونی بر تفکیک و تقطیع زمین، سهولت تغییر کاربری زمین کشاورزی و ساخت‌وساز بی‌ضابطه، و نبود کنترل و بلکه ترغیب ورود و اقامت مهاجرین و اتباع افغانستان و فعالیت اقتصادی آنها از سوی دیگر، این رشد غیرعادی را نتیجه داده است. شهر تهران از جهات دیگری نیز در تحولات فضایی کالبدی این روستا مؤثر بوده است: اول، تأثیر بر تغییر کشت‌ها از گندم و جو به برداشت ۳ تا ۴ باره انواع سبزیجات در زمین‌های کشاورزی که نیاز به

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

نیروی کار را چند برابر ساخته و ماهیت کارها که عمدتاً کارهای جسمانی بوده برای مهاجران ایرانی کم-جاذبه و برعکس برای افاغنه جذاب بوده است؛ دوم، رواج و رونق فعالیت‌هایی چون فروش دام زنده، قالی-شویی، کشتارگاه دام، کارگاه‌های بازیافت زباله و چربی‌سوزی (که عمدتاً به دلیل ضعف اجرای مقررات محیط‌زیستی در این منطقه استقرار یافته‌اند)، کارگاه‌های خیاطی و بافندگی، نجاری، کابینت‌سازی و انبارهای کالا که به لحاظ مواد اولیه و یا بازار وابسته به تهران هستند؛ سوم، بازار کارهای ساختمانی در تهران (ساخت وساز، تعمیرات، نقاشی ساختمان و مانند آن)؛ چهارم، وجود صنایع بزرگی چون پالایشگاه تهران و خوشه‌های صنعت وابسته به آن؛ و پنجم، وسعت رفت‌وآمدها و حمل سبزیجات به تهران و گسترش بخش حمل‌ونقل.

«ضعف در قوانین محیط‌زیستی و اجرای آنها»، « فاصله نزدیک تا تهران»، «سهولت تغییر کاربری» و «تفکیک زمین کشاورزی» و «امکان گریز از مالیات، عوارض و مقررات کار» کلیدی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ساختار روستا بوده و به لحاظ بیشترین تأثیرگذاری بر مؤلفه‌های دیگر تأثیرگذار بر تحولات فضایی کالبدی روستا، بایستی در برنامه‌ریزی‌های آینده مورد توجه بیشتر قرار داشته باشند.

مهاجرت و سکونت اتباع بیگانه که با تملک زمین و سرمایه همراه بوده در تحولات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی روستا نقشی بی‌بدیل داشته است. به دلیل این مهاجرت‌ها، اتباع بیگانه سهم قابل توجهی در جمعیت دارند، تمامی زمین‌های زراعی در اجاره آنهاست و فعالیت‌های کشت و زرع تماما به توسط آنها صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر دایر نمودن کارگاه‌های تولیدی زیرزمینی و حتی رسمی، سایر اشتغالات را نیز تقریبا در انحصار آنان قرار داده است. به دلیل نرخ زادو ولد بالا و استمرار مهاجرت، انتظار می‌رود که در آینده نسبت و سهم اتباع بیگانه در جمعیت، اشتغال و درآمد روستا افزون گردد. این رویه نه تنها به لحاظ وجود معضل بی‌کاری مطلوب نیست بلکه حتی می‌تواند پیامدهای امنیتی نیز به همراه آورد. به همین دلیل شایسته است محدودیت‌هایی در تمرکز سکونت و اشتغال برای این مهاجران در نظر گرفته شود.

۶) منابع

- احمدبن یعقوب، (۱۳۵۶)، **البلدان**، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- افراخته، حسن، (۱۳۹۴)، **انباشت سرمایه و تشدید مخاطرات محیطی شهر – منطقه تهران**، فصلنامه تحلیل فضایی مخاطرات محیطی، سال دوم، شماره ۴، صص ۶۴-۴۷.
- افراخته، حسن، فرهادعزیزپور و محدثه زمانی، (۱۳۸۴)، **پیوندهای کلانشهری و تحولات کالبدی فضایی روستاهای پیرامون (مورد مطالعه: دهستان محمد آباد کرج)**، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۵۰، صص ۱۲۰-۱۰۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- افراخته، حسن، وحید ریاحی، فرهاد عزیزپور و محمد قاسمی سیانی، (۱۳۹۵)، **تحلیل شبکه‌ای جریان‌های فضایی در نواحی روستایی؛ مورد مطالعه: بخش‌های بن‌رود و جلگه در شهرستان اصفهان**، فصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی، سال اول، شماره دوم، صص ۴۸-۳۵.
- اهری، زهرا، (۱۳۸۵)، **مکتب اصفهان در شهرسازی، دستورزبان طراحی شالوده شهری**، فرهنگستان هنر، تهران.
- اهری، زهرا، (۱۳۹۵)، **تاملی بر مفهوم ساختار و چگونگی شناسایی آن در شهر ایرانی پیش از مدرن**، دو فصلنامه فیروزه اسلام، ۲ (۲)، صص ۶۹-۴۵.
- اهلرس، اکارت، (۱۳۸۰)، **ایران: شهر، روستا، عشایر**، ترجمه عباس سعیدی، انتشارات منشی، تهران.
- تاج‌الدین ، مصطفی، (۱۳۸۶)، **مصاحبه به عنوان قائم مقام معاون خدمات شهری شهرداری منطقه ۲۰**، بازیابی از سایت نیاز روز(۱۳۹۵/۸/۲۵): http://boro.niazerooz.com
- حبیبی، محسن و زهرا اهری، (۱۳۷۵)، **گزارش طرح پژوهشی دگرگونی در روستاهای پیرامون شهرهای بزرگ و نقش آنها در نظام اسکان کشور(مورد مطالعه : اسلامشهر)**، مؤسسه مطالعات محیط زیست تهران.
- حقیقی مطلق، زهرا، (۱۳۹۷)، **دگرگونی های ساختاری - کارکردی سکونتگاه‌های روستایی پیراشهری با تأکید بر پدیده خزش شهری**، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری به راهنمایی عباس سعیدی، دانشکده علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی .
- دهیاری گلحصار، (۱۳۹۵)، **اطلاعات و آمارهای منتشر نشده**.
- رضوانی، محمد رضا، (۱۳۸۱)، **تحلیل الگوهای مناسبات شهر و روستا در نواحی روستایی اطراف تهران**، پژوهش-های جغرافیایی۴۲، صص ۹۴-۸۲.
- رهنمایی، محمدتقی، (۱۳۶۹)، **توسعه تهران و دگرگرگونی در ساختار نواحی روستایی اطراف**، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۱۶، صص ۵۳-۲۴.
- ریاحی، وحید و حسن مؤمنی، (۱۳۹۳)، **تحلیل توان منابع آب زراعی در نواحی روستایی شهرستان بویین و میاندشت**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۳، صص ۱۷۱- ۱۵۳.
- سازمان آب منطقه‌ای تهران، (۱۳۸۷)، **طرح ساماندهی آب‌های سطحی جنوب تهران (مطالعات کمی و کیفی)**، گزارش منتشر نشده.
- سعیدی، عباس و صدیقه حسینی حاصل، (۱۳۸۸)، **شالوده مکان یابی و استقرار روستاهای جدید**، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.
- شاریه، ژان‌برنار، (۱۳۷۳)، **شهرها و روستاها**، ترجمه سیروس سهامی، نشرنیکا، مشهد.
- شیخ‌بگلو اسلام، (۱۳۹۵)، **از رگا تا محمدیه؛ سرگذشت و باستان‌شناسی سرزمین ری**، فصلنامه علمی تخصصی باستان‌شناسی ایران، شماره ۱۱، صص ۴۷-۱۸.
- صادقلو، طاهره، حمدا... سجاسی قیداری و وحید ریاحی، (۱۳۹۵)، **ارزیابی اثرات زیست محیطی صنایع استخراجی – معدنی در پایداری نواحی روستایی؛ مورد: روستاهای پیرامون کارخانه سیمان زنجان**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال پنجم، شماره ۱، پیاپی ۱۵، صص ۱۹۹-۱۷۳.
- صحنه، بهمن، حسین سادین، عبدالحمید نشاط و حمیدرضا تلخابی، (۱۳۹۶)، **اثرات روابط شهر و روستا در تحولات اقتصادی و اجتماعی روستاهای آزادشهر**، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۳، پیاپی،۲۱، صص ۱۳۸-۱۲۱.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

- طالشی، مصطفی و اسدا ... حیدری، (۱۳۹۶)، **موانع شکل گیری شبکه منطقه ای در فرآیند دگرگونی کالبدی_فضایی سکونتگاه‌های روستایی مورد: سکونتگاه‌های ناحیه هشترود- چاراویماق(آذربایجان شرقی)**، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه کالبدی، دوره ۴، پیاپی ۸، صص۱۱۴-۱۰۱.
- ظاهری، محمد، (۱۳۸۹)، **بررسی روند تغییرات کالبدی روستاهای خوابگاهی حوزه نفوذ کلانشهر تبریز** . جغرافیا و برنامه‌ریزی، سال ۱۶ (۳۹)، صص۷۲-۵۱.
- فصیحی، حبیب‌اله، (۱۳۸۶)، **مروری بر تاریخچه و قابلیت‌های وقوع زلزله در ری**. نشریه سپهر،۱۶(۶۲)، صص ۷۵-۷۱.
- فیروزنیا، قدیر و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، (۱۳۹۲)، **تحلیل تداوم کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی در شهرستان قزوین**، فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، ۱۳ (۴۱)، صص ۵۶-۳۷.
- کریمان، حسین، (۱۳۵۵)، **تهران در گذشته و حال**، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران.
- مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان ری، (۱۳۹۵)، **اطلاعات منتشر نشده سطح زیر کشت روستای گلحصار**.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۰- ۱۳۸۵- ۱۳۷۵ - ۱۳۶۵- ۱۳۵۵-۱۳۴۵-۱۳۳۵) ، **نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان ری**.
- منشی‌زاده، رحمتا... و مظفر صادقی، (۱۳۸۹).. **تحولات فضایی روستاهای پیرامون شهر با تأکید بر تعامل روستا – شهری در روستاهای پیرامون ممسنی**، چشم‌انداز جغرافیایی، ۵(۱۲)، صص ۱۳۷- ۱۱۸.
- مهندسین مشاور فجر و توسعه، (۱۳۷۶)، **طرح هادی روستای قوچ‌حصار**.
- Asan, S. S., & Asan, U., (2007), **Qualitative Cross-impact analysis with time consideration**, Technological Forecasting and Social Change, 74, 627-644.
- Chembo, Victor Samba, (2011), **Understanding rural-urban linkages: The impact of urban expansion on livelihoods of peri -Urban communities; A case study of Kibaha District, Tanzania**, A Research Paper presented in partial fulfilment of the requirements for obtaining the degree of M,A, International Institute of Social Studies, Retrieved from: https://thesis.eur.nl/pub/10772/
- Douglass. Michael, (1998), **A regional network strategy for reciprocal rural – urban linkages**, In: TWPR, 20(1), pp 1-33.
- Hill, Ronald D., (1995), **The impact of urbanization on rural-urban linkages in Thailand and Malaysia,** Kyoto Conference on Japanese Studies, Asian Geographer Journal, 14, pp 28-44.
- Mylott, E., (2017), **Urban-Rural Connections: A Review of the Literature**, Reseived in: http://ir.library.oregonstate.edu/xmlui/bitstream/handle/1957/10574/Urban-RuralConnectionsLitReview.pdf, Landscape and Urban Planning, 94(2), pp116-126
- Satterthwaite David, Mc Granahan Gordon, and Tacoli Cecilia, (2010), **Urbanization and its implications for food and farming,** Philos Trans R Soc Lond B Biol Sci., 365(1554), pp 2809–2820.

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]

[Downloaded from isharat.khu.ac.ir on 2026-10-30]